

نکته‌هایی درباره‌ی اعتصاب اجتماعی

جرمی برچر



ترجمه‌ی عرفان رشیدی



نکات حاضر در مورد اعتصاب‌هایی کاربرد دارد که (۱) اکثر شرکت‌کنندگان آن‌ها در اتحادیه‌ها یا سایر سازمان‌های رسمی کارگری سازمان‌دهی نشده‌اند؛ (۲) هدف اصلی نه فقط تأثیرگذاری بر کارفرمای بلافصل بلکه بر رژیم یا ساختار اجتماعی است. و (۳) صاحبان قدرت برای چنین اقداماتی مشروعیت قائل نیستند. ما آن‌ها را «اعتصابات اجتماعی» می‌نامیم.

۱. سازمان

جایی که تشکل‌های کارگری، اندک، ضعیف، یا تحت کنترل کارفرمایان و/یا رژیم است، کارگران باید بتوانند به سرعت در مقیاس بزرگ سازماندهی شوند. این اتفاق بارها در طول تاریخ رخ داده است، از لهستان گرفته تا برزیل، آفریقای جنوبی و فیلیپین، اما به سازمان انعطاف‌پذیری نیاز دارد که افراد می‌توانند یک‌شبه برای خود ایجاد کنند و به طور مداوم می‌توانند رهبران و شرکت‌کنندگان جدید را وارد کنند.

این سازمان‌ها معمولاً یکی از این دو شکل را دارند. برخی «شورای کارگری» هستند که در آن کسانی که با هم کار می‌کنند گرد هم می‌آیند، خود را به‌عنوان یک گروه تعریف و نمایندگانی را انتخاب می‌کنند. از نقاط قوت این رویکرد این است که همه‌ی کسانی را که با هم کار می‌کنند دربرمی‌گیرد و با نمایندگانی دارای مشروعیت ناشی از انتخابی بودن همراه است. نقطه‌ی ضعف این رویکرد این است که زمانی که دیدگاه کسانی که در کنار هم کار می‌کنند به شدت متفاوت باشد، به توافق رسیدن می‌تواند غیرممکن شود.

رویکرد جایگزین، «گروه‌های همبسته» است که در آن گروه‌های کوچکی از افراد (معمولاً ۵ تا ۱۰ نفره) که به یکدیگر اعتماد دارند و دیدگاه‌ها را به اشتراک می‌گذارند با یکدیگر ملاقات و گروهی را برای خود تعریف می‌کنند، سپس نمایندگانی را به یک گروه هماهنگ‌کننده («شورای سخنگو») می‌فرستند که اقدامات آنها را هماهنگ می‌کند. این فرم فاقد مشروعیت شورای کارگری است، اما به افراد اجازه می‌دهد تا در موقعیت‌هایی که حمایت اکثریت هنوز پدید نیامده است، امکان سازمان‌دهی و ابتکار

عمل داشته باشند. همچنین به گروه‌ها اجازه می‌دهد تا اقدامات عمومی مشهودی را انجام دهند و سپس برای جلوگیری از سرکوب ناپدید شوند. در بسیاری از موقعیت‌ها، دعوت به تشکیل شوراهای کارگری و سازمان‌دهی‌شان اگر امکان آن وجود داشته باشد منطقی است، اما اگر امکان آن وجود نداشته باشد گروه‌های هم‌بسته تشکیل داده می‌شود.

۲. منابع قدرت

اعتصاب‌های اجتماعی بیانگر چند نوع قدرت مختلف است: (۱) برای مالکان و مدیران مشاغل و مؤسساتی که تعطیل شده‌اند مشکل ایجاد می‌کنند (۲) با تبلور بخشیدن به ارزش‌ها و منافع مخالفت با وضعیت موجود، جامعه‌ی گسترده‌ای را بسیج می‌کند. (۳) به مقامات نشان می‌دهد که در برابر حذف بالقوه‌ی رضایت آسیب‌پذیر هستند.

این موارد ممکن است تا حدی با یکدیگر تداخل داشته باشند. به عنوان مثال، برهم‌زدن نظم ممکن است مقامات را بترساند اما در عین حال ممکن است بخش بزرگی از مردم را نیز بترساند. بخش بزرگی از هنر اعتصابات اجتماعی، در جلب نظر عموم مردم و در عین حال مقابله‌ی مؤثر با کارفرمایان و مقامات، نهفته است.

۳. تعیین اهداف

در تعیین اهداف انجام یک اقدام باید چندین معیار را هماهنگ کرد.

- مطالبات باید نشان‌دهنده‌ی اهداف گسترده‌ای باشند که برای عموم مردم جذاب باشد.
- مطالبات باید بخش‌های مختلف را متحد کند (مانند کارمندان خصوصی، کارمندان دولت، زنان، طبقه متوسط تحصیل کرده، قشر فقیر روستایی، قشر فقیر شهری و غیره)

- مطالبات باید بخش‌های مختلف (برای مثال، کارکنان خصوصی، کارکنان دولتی، زنان، طبقه‌ی متوسط تحصیل کرده، فقرای روستایی، فقرای شهری و جز آن) را متحد سازد.
- مطالبات باید متضمن هنجارهای وسیعاً پذیرفته شده باشد. این مطالبات‌ها می‌تواند هنجارهایی باشد که به طور گسترده جامعه به آن باور دارد، مانند حمایت از دموکراسی. ممکن است هنجارهای بین‌المللی مانند حقوق بشر و حقوق کار باشند که در برنامه‌ی [اتحادیه‌ی] همبستگی لهستان گنجانده شده بود. حتی می‌تواند هنجارهایی باشند که در قانون اساسی موجود است، اما در عمل مقامات نادیده گرفته‌اند.

عموماً در یک اعتصاب اجتماعی می‌توان چنین اهداف اجتماعی گسترده‌ای را با اهداف و خواسته‌های گروه‌های محلی که می‌تواند توسط کارفرمایان فوراً برآورده شود ترکیب کرد؛ مانند ساعات کار کم‌تر، افزایش دستمزد، تغییر در قوانین کار و غیره. اهداف گسترده‌ای که نمی‌توانند فوراً محقق شوند را می‌توان با اهداف فوری که مقامات می‌توانند بدون تضعیف کامل اختیارات خود آن را اعطا کنند، ترکیب کرد. به‌عنوان مثال مقامات می‌توانند از اعطای آزادی عمومی بیان، تجمع و مطبوعات خودداری کنند، اما می‌توانند با مطالبه‌ی آزادی زندانیان سیاسی موافقت کنند و گروه‌های غیررسمی فشار را مهار کنند.

اعتصاب‌های اجتماعی و جنبش‌هایی که بخشی از آن هستند به فرایندی برای تعیین و اصلاح اهداف نیاز دارند. نوعی تالار گفت‌وگوی مستمر، که برحسب سطح سرکوب، باز یا بسته می‌شود، باید بخشی از این فرایند باشند.

۴. ارتباطات

در شرایط سرکوب، اشکال متعدد ارتباط در یک جنبش ضروری است.

اینترنت و سایر ابزارهای شبکه‌های اجتماعی اخیراً به بخش مهمی از اعتصابات اجتماعی بدل شده‌اند. اما باید با طیف گسترده‌ای از تماس‌های تلفنی شبکه‌ای، شبکه‌های ارتباطی شخصی، گفت‌وگو میان افراد و غیره آن را تکمیل کرد. ارتباطات نیاز به انجام دو کارکرد دارد که هر کدام الزامات خاص خود را دارند.. ارتباطات باید امکان شکل‌گیری سریع باور و اجماع را فراهم کند. و باید امکان هماهنگی سریع برای اقدام را فراهم سازد.

۵. مقابله با سرکوب

در مواجهه با احتمال یا وقوع یک اعتصاب اجتماعی، مقامات معمولاً به سرکوب روی می‌آورند، از آزار و اذیت گرفته تا دستگیری و شکنجه و ترور. اغلب مؤثرترین راه برای مقابله با سرکوب به معنای بی‌ثمر کردن آن برای مقامات از طریق «تهییج افکار عمومی» است که در آن هر اقدام سرکوب‌گرانه‌ای باعث کاهش بیشتر حمایت و مشروعیت مردمی مرتکبان سرکوب می‌شود. این موضوع به‌طور کلی مستلزم نوعی نظم برای پرهیز از خشونت است که در آن معترضان خود را به عنوان حامیان مسالمت، نظم و قانون مشروع و مقامات را به عنوان دارودسته‌های کنترل‌ناپذیری که سعی در حفظ قدرت خود از طریق خشونت نامشروع دارند، به مردم معرفی می‌کند. این امر مستلزم تعهد به خشونت‌پرهیزی به عنوان یک اصل فراگیر نیست، بلکه مستلزم تعهد مشارکت‌کنندگان به عدم روی آوردن به خشونت حتی با وجود انواع تحریکات است.

این موضوع اغلب می‌تواند با توافق رسمی مشارکت‌کنندگان برای اقدام خشونت‌پرهیز در طول اعتصابات و سایر اقدامات اعتراضی انجام شود. در چارچوب تعهد اعتصاب‌کنندگان به عدم خشونت، می‌توان بر هر اقدام سرکوب‌گرایانه و خشونت‌آمیز مقامات به‌عنوان آشوب‌طلبی نامشروع تأکید کرد و حتی آن دسته از افراد جامعه که به طور کامل از اهداف جنبش حمایت نمی‌کنند، می‌توانند حول مخالفت با سرکوب نامشروع بسیج شوند.

۶. تاکتیک

اعتصاب‌های اجتماعی می‌توانند اشکال مختلفی داشته باشد. اعتصاب‌ها می‌توانند در صنایع پایه یا در فعالیت‌های تجاری شهری یا هر دو باشند. آن‌ها می‌توانند یک اعتصاب عمومی بزرگ یا توقف موقت کار باشد که گروه‌های مختلف یکی پس از دیگری کار را متوقف می‌کنند و سپس از سر می‌گیرند. اعتراضات می‌توانند «سریع» باشند که یک روز یا حتی کم‌تر هستند، و همچنین می‌توانند اقداماتی با پایان باز باشد که تا پیروزی، شکست یا به‌خطر افتادن آشکار، ادامه می‌یابند.

اعتصاب‌های اجتماعی اغلب شامل اشغال محل کار بوده‌اند (اعتصاب عمومی لهستان زمانی ظهور کرد که این حرف میان کنشگران دهان به دهان می‌شد: «ستاد حزب را آتش نزنید، کارخانه‌ها را اشغال کنید»). چنین اشغال‌هایی، خشونت سرکوبگرانه را دشوارتر می‌کنند. با این حال، مقامات آن را چالشی مهم و حتی انقلابی برای قدرت خود تلقی می‌کنند که باعث می‌شود در درازمدت تمایل کم‌تری به مصالحه داشته باشند.

اعتصاب‌های اجتماعی می‌تواند شامل اقدامات بی‌سروصدا یا مخرب خیابانی باشد یا می‌تواند به سادگی مردم را به در خانه ماندن دعوت کند. اقدامات خیابانی به اعتصاب‌کنندگان و حامیان آن اجازه می‌دهد تا شجاعت، اعتمادبه‌نفس و مقاومت خود را در برابر سرکوب نشان دهند؛ اقدامات خیابانی، همچنین اهداف آسانی را برای سرکوب فراهم می‌کنند.

تاکتیک‌ها را باید بر اساس ملاحظاتی از این دست انتخاب کرد: (۱) این که با توجه به وضعیت کنونی جنبش افراد مایل به انجام چه کارهایی هستند؛ (۲) واکنش عموم مردم به تاکتیک‌های مختلف چگونه خواهد بود؛ (۳) تاکتیک‌های مختلف ممکن است چه واکنشی را از سوی مقامات برانگیزد؛ (۴) این تاکتیک‌ها چه نتایج احتمالی خواهند داشت (مانند رویارویی، مذاکرات، تغییر در افکار عمومی، اختلاف‌نظر و تغییر در نگرش مقامات؛ و غیره).

توانایی تغییر تاکتیک می‌تواند بسیار مهم باشد. هنگامی که یک جنبش به یک تاکتیک خاص محدود باشد، مخالفان آن اغلب می‌توانند هزینه و درد ادامه‌ی آن را به

اندازه‌ای بالا ببرند که در نهایت جنبش شکست بخورد. اگر جنبش بتواند به ابتکار خود تاکتیک‌ها را تغییر دهد، می‌توان از این امر جلوگیری کرد. زمانی که مقامات حاضر هستند به تعداد زیادی از مردم در خیابان شلیک کنند، اشغال محل کار ممکن است بهترین جایگزین آن باشد.

۷. سرمشق‌سازی

اعتصاب‌های اجتماعی اغلب از سرمشق‌گرفتن بهره می‌برند. اگر گروهی از کارگران آماده باشند به اقدامی دست بزنند و با خطرانی که در پی دارد روبرو شوند، ابتکار عمل آنها احتمالاً دیگران را برای انجام کاری مشابه تشویق و الهام می‌بخشد. این کار می‌تواند بهترین راه برای مقابله با وضعیتی باشد که همه منتظر زمانی هستند که ببینند که آیا دیگران شجاعت و تعهد لازم را برای عمل کردن دارند یا خیر. چنین اقداماتی می‌تواند مقدم بر یک اعتصاب عمومی و زمینه‌ساز آن باشد. چنین اقداماتی همچنین می‌توانند تاکتیک‌های جدیدی را برای مبارزه‌ی در شرف انجام، معرفی کنند.

۸. آزمون‌ها

اعتصاب‌های اجتماعی سرمایه‌گذاری‌هایی در یک قلمرو ناشناخته هستند. غیرممکن است که از قبل بدانیم دقیقاً شرکت‌کنندگان در واقع مایل به انجام این کار خواهند بود. همچنین امکان ندارد بدانیم مقامات یا عموم مردم چطور واکنش نشان خواهند داد. جنبش‌ها می‌توانند اوضاع را از راه یک جنبش کوچک بسنجند. اگر مردم در تظاهرات مسالمت‌آمیز شرکت نکنند، شاید زمان مناسبی نباشد که آنها را به اعتصاب دعوت کنیم. برعکس، اگر تعدادی بیش از حد انتظار بیرون بیایند، و همه‌ی آنها در مورد این که قدم بعدی چه خواهد بود صحبت کنند، ممکن است زمان مناسبی برای اعتصاب باشد. اگر مقامات به ضرب‌وشتم تظاهرکنندگان مبادرت کنند و مردم خشم خود را ابراز و یا بخش‌هایی از حکومت از سرکوب انتقاد کنند، جنبش می‌تواند تا

حدودی درک کند که می‌تواند از چه کسانی انتظار حمایت داشته باشد و چه کسانی ممکن است مقامات را از سرکوب باز دارند.

۹. تنها بعد از شکست خوردن می‌توان پیروز شد

مقامات سرکوبگر به طور کلی از رشته‌ای طولانی از تاکتیک‌ها، از جمله تمسخر، طرد، تفرقه، آزار و اذیت و سرکوب برای از بین بردن جنبش استفاده می‌کنند. فقط زمانی که همه این روش‌ها در سرکوب جنبش شکست خورده باشند، مقامات به ناگزیر باید امتیازاتی بدهند و یا باید با تهدید جنبش به شیوه‌ی دیگری برخورد کنند. به نظر می‌رسد جنبش‌هایی که در نهایت پیروز می‌شوند، رشته‌ای طولانی از شکست را از سر گذرانده‌اند (برای مثال به مبارزه‌ی طولانی علیه آپارتاید در آفریقای جنوبی توجه کنید) جنبش‌ها باید آماده باشند تا علی‌رغم چنین شکست‌هایی ادامه پیدا کنند (این همان چیزی است که در نهایت باعث موفقیت آن‌ها می‌شود. جنبش‌ها باید چنین شکست‌هایی را پله‌های ضروری در مسیر پیروزی تفسیر کنند و باید بر هنر عقب‌نشینی استراتژیک تسلط پیدا کنند، که، همان‌طور که مائو نشان داده است، شامل انجام حملات کوچک در چارچوب یک عقب‌نشینی گسترده‌تر است. یک عقب‌نشینی موفقیت‌آمیز، پیروزی حریف را بی‌ثمر می‌کند.

۱۰. بهره‌برداری از شکاف بین مقامات

همان‌طور که جین شارپ به شکل بسیار درخشانی نشان داده است، چیزی که باعث موفقیت اکثر جنبش‌ها می‌شود داشتن قدرت بیشتر نسبت به مخالفانشان نیست، بلکه این است که مخالفان و حامیانشان را وادار کنند به این نتیجه برسند که هزینه‌ی ادامه‌ی مبارزه خیلی بالاست، که معمولاً شکل ظهور «مصالحه» را از طرف افراد در قدرت به خود می‌گیرد.

ترویج چنین شکاف‌هایی یک هدف استراتژیک کلیدی برای اعتصاب اجتماعی است.

این امر ابتدا مستلزم ساختاریست که جنبش و چالش آن از بین نرود. همان‌طور که شارپ می‌گوید، سرسختی، کلید موفقیت مقاومت خشونت‌پرهیز است. ثانیاً مستلزم آن است که عناصر بالقوه‌ی «جناح مصالحه» در تشکیلات به سمت «جناح جنگ‌طلب» کشیده نشوند. که به طور کلی به این معنی است که حتی در مواجهه با سرکوب، مصالحه باید مسالمت‌آمیز و دوستانه انجام شود.

۱۱. بازهم بجنگید، بازهم گفت‌وگو کنید.

اعتصاب اجتماعی چگونه پایان می‌یابد؟ اگر مقامات نتوانند آن را سرکوب کنند، سرانجام احتمالاً به نوعی مذاکره‌ی تلویحی یا رسمی روی می‌آورند. در لهستان و مناطق دیگر در اروپای شرقی این امر به شکل نشست‌ن رژیم و مخالفان بر سر میز مذاکره بود. در آفریقای جنوبی پس از اعتصاب بزرگ COSATU، مذاکراتی بین رژیم و کنگره‌ی ملی آفریقا ANC به نمایندگی نلسون ماندلا انجام شد. حتی رژیم‌هایی که سوگند یاد کرده‌اند هرگز با مخالفان خود مذاکره نکنند، به احتمال زیاد در مقطعی که بدیل‌های دیگر وخیم‌تر به‌نظر می‌رسد به این کار دست می‌زنند.

ایده‌ی مذاکره با «دشمن» همیشه ناراحت‌کننده است. همیشه احتمال انشعاب و ریزش نیرو وجود دارد. اما عموماً این گونه است که جنبش‌ها و اعتصاب‌های اجتماعی به تغییرات جدی اجتماعی منجر شده است.

اگر جنبش‌ها مذاکره را یکی از اهداف صریح اقدام خود بدانند، به احتمال زیاد به مذاکره‌ی مؤثر می‌پردازند، به طوری که آغاز مذاکره به عنوان یک پیروزی تلقی می‌شود، نه یک انحراف گیج‌کننده.

در صورتی که جنبش طی فرایندی مؤثر اهداف مشترکی ایجاد کرده باشد، به طوری که گروه‌های مختلف با پیشنهاد امتیازهای محدود از هم جدا نشوند، به احتمال زیاد مذاکرات مؤثر خواهد بود.

جنبش‌ها باید راه‌هایی برای پاسخ‌گو کردن مذاکره‌کنندگان ایجاد کنند. (مذاکراتی که منجر به پایان یافتن اعتصاب‌های گدانسک Gdansk در لهستان شد، برگزاری این

مذاکرات در مقابل دوربین‌های تلویزیونی بود که تمام جزئیات را برای ده‌ها هزار کارگری که در کارخانه‌ی کشتی‌سازی بیرون منتظر بودند پخش می‌کرد.

در نهایت، مذاکرات به احتمال زیاد در صورتی به موفقیت می‌رسند که به جای الزام به تسلیم بی‌قید و شرط مقامات، ابزاری برای عقب‌نشینی قابل‌قبول فراهم کنند. این امر مستلزم این است که جنبش از خواسته‌های خود و این که بر سر چه موارد اتفاقی می‌تواند مصالحه کند، درک روشنی داشته باشد.

مذاکره بدیل مبارزه نیست، بلکه راه دیگری برای انجام آن است. مذاکرات معمولاً منقطع و پراکنده هستند، جنبش‌ها باید از مذاکرات بی‌نتیجه فاصله بگیرند، آماده شوند و به مبارزه بازگردند. همان‌طور که مائو گفت: «بازهم گفت‌وگو کنید، بازهم بجنگید».